Archive of SID

فصلنامه علمی- پژوهشی

بررسی نقاشی های معراج حضرت پیامبر(ص) درکشورهای اسلامی از دیرباز تا به امروز

زهراخداداد * مرتضی اسدی **

تاریخ دریافت مقاله : ۸۸/۶/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله : ۸۹/۳/۲۵

چکیده

دراین مقاله نقاشی های معراج حضرت پیامبر(ص) درکشورهای اسلامی از گذشته تاکنون موردبررسی قرار گرفته است. ازآن جاکه عظمت وبزرگی واقعه معراج برای تمام مسلمانان اتفاقی بزرگ و عظیم است، برای هنرمندان نیزاین موضوع با اهمیت بوده و سعی دربه تصویر کشیدن آن در همه زمان ها داشته اند. درایران به دلیل توجه ویژه حکام، مردم وآزادی بیش تر در بیان عقایددینی، هنرمندان تقریبا درتمام دوره های هنری تصاویری راخلق کرده اند، اما در دیگرکشورهای اسلامی به دلیل عقاید خاصی که نسبت به مذهب دارند و نیز باتوجه به محدودیتی که هنرمندان در این زمینه با آن روبه رو هستند کم تر توانسته اند به این موضوع بپردازند وگاه ازنمادهایی برای نشان دادن این سفراعجاب انگیز استفاده کرده اند. دراین مقاله به دو سئوال زیر پاسخ داده شده است:

آثاربه دست آمده ازهنرمندان مربوط به کدامیک ازمراحل معراج پیامبر می باشد؟

آیاهنرمندان مسلمان درکشورهای اسلامی دیدگاهی مشابه نسبت به معراج دارند؟

همچنین بررسی نقاشی های معراج و بیان تشابهات و تفاوت های نقاشی ها دردوران مختلف نیز مدنظر این پژوهش بوده است.روش تحقیق در این مقاله توصیفی- تحلیلی شیوه گردآوری مطالب هم به روش کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی

نقاشی، معراج حضرت پیامبر(ص)، جبرئیل، براق، کشورهای اسلامی.

* کارشناس ارشد نقاشی دانشکده هنر دانشگاه شاهد ، شهر تهران، استان تهران
Email : khodadadzahra@gmail.com
** هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email : mortezaasadi@hotmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

اسلام درغرب شبه جزیره عربستان درسده هفتم اول بعد از میلادظهورکرد. این موضوع سبب شد قبایلی که پیش از این استقرار دریک مکان رانمی شناختند، دریک جا جمع شده و به صورت قبایل ودولت های یک پارچه درآیند و درنتیجه هنرهای عربی مانند حمیری، مسیحی و اکسومی را که پیش از اسلام درشبه جزیره عرب وجود داشت به یکدیگر پیوند داد و به دنبال آن صنایع دستی، به عنوان نخستین هنرها در اسلام پدیدار گشت.

به دنبال گسترش این هنرها و پیدایش هنرنقاشی ازآن جاکه عرب های دوره جاهلی با این هنرها بیگانه بودند به نهی نقاشی و پرهیز ازآن نمودند و دربرخی موارد به تحریم آن پرداختند.(شایسته فر، ۱۳۸۳)

گاستون ویت، معتقد است پرهیز ازنقاشی سبب شد نقاشی در میان مسلمانان عرب کمیاب تر و در میان غیر اعراب مانند ایرانی ها، هندی ها، ترک ها ومغول ها فراوان تر باشد. عده ای از محققان معتقدند کثرت تصاویر در میان شیعیان به این دلیل است که آن ها ا ز احادیثی که اهل سنت در نهی از تصویر داشتند سرباز زدند. ولی حقیقت این است که فقهای شیعه نیز با همان استواری فقهای سنی، نقاشی را تحریم کردند. دولت شیعی نیز در مورد تصویر سازی آزاد اندیش تر ازدولت سنی نبود، فقط آن ها معتقد بودند تعداد زیادی از این تصاویر به زمان و مکان خاصی تعلق دارد و شا مل منع تمام تصاویر نمی شود.

هنراسلامی باکتابت قرآن کریم آغاز شد. چیزی نگذشت که پای نقش ونگارها به میان آمد، سرلوحه ها آراسته شد و سرآغاز سوره ها به حاشیه رنگین پیراسته شد وگرایش به ترجمه و نگارش متون علمی، تاریخی وادبی در سده های بعد متجلی شد. تصاویر انسان، حیوان،گیاهان و نباتات به نسخه های دست نوشته راه یافت و استفاده از کاغذ به جای پوست برای کتابت راه را برای اعتلای کتاب آرایی هموارتر ساخت. معراج حضرت پیامبر(ص) نیزبه عنوان رازآمیزترین معجزه ایشان همواره مورد توجه مسلمانان به ویژه عارفان وهنرمندان بوده است. درعرفان اسلامی هدف عمده ریاضت های عرفانی دست یابی به تجربه معراج است. هنرمندان و نقاشان نیز در هر دوره سعی دربه تصویر کشیدن این واقعه بزرگ داشته اند.

در بررسی تاریخی نگاره های معراج مربوط به هنر ایران بیش تر از منابعی هم چون تصاویر به چاپ رسیده در کتب گوناگون استفاده شده است. در تصاویر مرتبط با دیگر کشورهای اسلامی به دلیل کمبود و دربرخی کشورها فقدان منابع،اثری دردست نیست و یااطلاعات آن اندک می باشد و اغلب از پایگاه های اینترنتی استفاده شده است.

معراج از دیدگاه قرآن، روایات، احادیث، اندیشمندان، متفکران و عرفا

درقرآن کریم وا ژه معراج به صورت مستقیم به کار نرفته اما مشتقاتی همانند تعرج، یعرج، یعرجون، و معارج داشته است.(ادیب، ۱۳۸٤، ۲۰)

«تعرج الملائکه والروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه». «روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، فرشتگان وروح بدان جا فرا روند». (آیتی، ۱۳۷٦، ٥٦٦)

در کلامی از امام علی (ع)آمده است: ...لما ختم به الانبیاءوجعله الله رسولا»الی جمیع الامم وسائرالملل خصه بالارتقاءالی اسماءعندالمعراج... «چون انبیاء را با وی خاتمه

تصویر۱- شب معراج، حضرت محمد(ص) برروی براق، جامع التواریخ بدون رقم، بدون تاریخ، توپقاپی سرای استانبول

تصویر۲- پیامبر و جبرئیل فرشته در مقابل یک فرشته عظیم الجثه ایستاده اند، رقم احمد موسی، معراج نامه تبریز، توپقاپی سرای استانبول

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳- درخواب فرشته (جبرئیل)، ورق جداشده ازآلبوم بغداد، بدون رقم، منسوب به عبدالحی، سال۱۳۹۶،اندازه۱۹/۵×۲۸/۵ سانتی متر، موزه توپقاپی استانبول

تصویر ۴- هفتاد هزارپرده، معراج نامه، هرات، ۸۴۰-۱۴۳۶،کتابخانه ملی پاریس

دادند وآن حضرت را رسول تمام امت هاوملت ها قرارداد، فرازآمدی به آسمان را ویژه وی ساخت...» . حضرت پیامبر(ص) خطاب به امام علی(ع) می فرمایند: «...ای علی نام تورا درچهارجای درکنارنام خوددیدم که برنگریستنش انس گرفتم.درسفروسیرملکوتی ام به آسمان چون به بیت المقدس رسیدم نام تورا...برصخره آن یافتم».

از صحابه حضرت پیامبر(ص) نیز نزدیک به بیست و سه نفر معراج را خبرداده اند که از جمله می توان به انس بن مالک، شدادبن اویس، امام علی (ع)، عمربن خطاب، ام هانی، عایشه اشاره کرد. علاوه بر این بیست و سه نفر، حضرت پیامبر(ص) نیز شخصا این موضوع رادرمسجدالحرام بیان کرده اند.(اشتهاردی، ۱۳۷۷، ۳۱)

ابن کثیر معراج را نردبانی می داند که حضرت پیامبر(ص) از آن به آسمان دنیا و سپس به آسمان های دیگر رفته است. جلال الدین فارسی می نویسد: برای حضرت پیامبر(ص) علاوه بر بارها نجربه اعتلا وعروج که مقارن با دریافت وحی وملاقات با فرشته هاست دومرتبه عالی تراست. این دوتجربه وصلی است که به معراج یادشده است. معراج اعتلا و فرا رفتن نبی اکرم از مراتب عالم ملکوت به سوی عرش است.(همان، ۲۲-۲۱)

مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار هم در بابی با عنوان (اثبات المعراج ومعناه وکیفیه وصفیه و ماجرای فیه) این موضوع را بیان نموده اند. درکتاب کافی، مرحوم کلینی، امالی شیخ صدوق، احتجاج طبرسی، وسائل الشیعه شیخ حرعاملی ومستدرک محقق نوری نیز به معراج اشاره شده است.

ازکتاب های معتبراهل سنت نیز می توان آثار سنن ترمذی، صحیح بخاری، سخن نسائی، مسنداحمد، صحیح مسلم، مستدرک حاکم را نام برد که به معراج اشـــــاره داشته اند.

منصورعلی ناصف، از اندیشمندان معاصر و استاد دانشگاه الازهر مصر درکتاب معروف خود«التاج فی بیان المعراج»احادیث معراج را جمع آوری نموده است. شیخ عبدالعزیزبن عبدالله بن باز، رئیس ادارات «بحوث علمیه وافتاءودعوت وارشاد»به معراج اشاره کرده است. همچنین مفسرعالی قدر مرحوم طبرسی درتفسیرمجمع البیان ذیل اول معراج رابیان نموده است.

با مطالعه و بررسی آیات، احادیث و روایاتی که بیان شده تمامی علماء به این نکته اعتقاد دارند که احادیث و روایات معراج از یکی ازحالات زیر خارج نیست:

۱-روایاتی که حکم تواتر قطعی است و نمی توان نگارش کرد.

۲- روایاتی که به حد تواتر نمی رسد اما مانع عقلی هم ندارد وعقل حکم به آن ها می کند.

۳-روایاتی که ظاهرش با اصول مسلمه ما مخالفت دارند ولی قابل توجیه هستند و می توان محمل معقولی برایش

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۵-بدون عنوان، متعلق به نسخه خطی موجود در دارالکتب مصر، هرات، بدون رقم

درست کرد.
٤- روایاتی که نه ظاهرش معقول وصحیح می باشد و نه ممکن است برمحمل صحیحی بیان گردد.
همچنین عرفای الهی معتقدند معراج حضرت رسول(ص) درسه قسمت خلاصه شده است:
سیر اول: عالم خاک تانهایت افلاک.
سیر دوم:ازعالم جسمانیت تا مرزنورانیت.
سیرسوم: ازعالم عقلانیت تاقرب حق تعالی جل شانه.(زکی زاده رنانی، ۱۳۸۳، ۲۳۲)

نقاشی های معراج درایران

نخستین تصاویر به دست آمده ازمعراج حضرت پیامبر(ص)مربوط به حکومت ایلخانیان ٦٥٤-٧٥٠ هجری قمری می باشد.(رهنورد، ۱۳۸٦، ۱۳) این تصاویر متعلق به کتاب جامع التواریخ می باشدکه از شیوه هاشوررزنی نقاشی چینی دوره تانگ استفاده شده است. قلم‌گیری‌های زمخت و جامه‌پردازی به وضوح بین‌النهرینی است. پیکره‌ها بلند قامت و برخی از تصاویر الگوهای بیزانسی را به یاد می‌آورند.(پاکباز، ۱۳۸۳، ٦۱) (تصویر ۱)

تصویر۶-معراج حضرت محمد (ص)، خمسه نظامی، شیراز یا تبریز، بدون رقم، مکتب ترکمانان، حدود۹۱۱ هجری قمری، کتابخانه ایندیاآفیس

همچنین اولین معراج نامه ای که تاکنون به دست آمده نیز متعلق به این دوره می باشد. به نظرمی رسد مولانا عبدالله آن را مثنی برداری کرده و نقاشی های آن منسوب به احمدموسی می باشد. این معراج نامه امروزه درمجموعه‌ای از نگاره‌های آلبوم بهرام میرزا در کتابخانه توپقاپی نگه داری می‌شود.(رهنورد، ۱۳۸٦ ،۲۸) در این نسخه نخستین بار است که موجودات عجیب وغریب و ترکیبی ظاهر می‌شود. این نسخه با شاهنامه دموت شباهت‌هایی درعنصر منظره‌پردازی نامتراکم هم چون درختان بزرگ پیش‌زمینه دارد. پیکره های انسانی، با بدن طویل، سرهای بیضی شکل و اندام های آرام، عمامه‌های گردی که با دنباله‌های گشاد بر روی سینه مردان افتاده و روبان های آویزان فرشته‌ها، تداعی‌کننده ویژگی اواخر سده ١٤ هجری قمری است.

یکی از ویژگی های این نسخه این است که امکان تاریخ‌گذاری را برای آثار اواخر حکمرانی مغول در ایران تا سلطنت اویس فراهم می‌کند.(همان، ۳۰-۲۸) (تصویر۲) درتصاویر به دست آمده این دوران جهت حرکت ازسمت راست تصویر به داخل کادر است و عمده رنگ های مورد استفاده، قرمز و رنگ های گرم می باشد. قدرت ایلخانیان در حدود میانه سده هشتم هجری قمری از هم پاشید و پس از آن آل جلایر به روی کارآمدند. دراین دوران رنگ ها نسبت به مکتب ایلخانی قوام بیش تری یافت و پیوند مستحکم‌تری با سطوح و تزئینات مجاور خود دارند و تناسب بین اندام و محیط رعایت شده است. به طور کلی نگارگران این مکتب رابطه ظریف میان انتزاع و طبیعت، شکل و رنگ، انسان و محیط را رعایت می‌کردند. تنها تصویراین دوره متعلق به آل جلایر است که اثر نقاش معروف آن دوره عبدالحی، شاگرد شمس‌الدین می باشد.(تصویر۳) عمده رنگ به

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۷- معراج حضرت رسول اکرم (ص)، خاوران‌نامه، رقم فرهاد،کاخ گلستان، تهران

تصویر۸- معراج، خمسه نظامی شاه طهماسبی، اثر سلطان محمد، تبریز ۹۴۶- ۹۵۰ هجری قمری،کتابخانه بریتانیا لندن

کاررفته در این تصویرآبی، سفید و قرمز است. جهت حرکت از سمت راست به داخل کادر می باشد. در آثار این دوره موجودات عجیب وغریب دوره ایلخانی وجود ندارند و در نقاشی های معراج برای اولین بار کاربرد کتیبه دیده می شود. در تصویر ۳ نسبت به تصاویر دوره های قبل بیش تر از رنگ های روحانی نظیر آبی وسفید استفاده شده است. محیط نسبت به قبل خالی تر به نظر می رسد هر چند تعداد عناصر به کار رفته در تصویر بیش تر شده ولی از نظر اندازه کوچک تر ترسیم شده اند.

اما همزمان با آن ها دو حکومت محلی نیز به نام آل مظفر وآل اینجو فعالیت می کردند. از زمان فعالیت این دو حکومت تصویری با موضوع معراج مشاهده نشده است.

پس از فروپاشی این سه خاندان حکومت بایسنقر میرزا «۸۱۶-۸۳۶ هجری قمری»(رابینسون، ۱۳۷۶، ۲۲)، «فاصله بین بایسنقر تا بهزاد یعنی هرات در حدود ۸۰-۸۳۶ هجری قمری»(همان، ٤١) و سلطان حسین میرزا و بهزاد «۸۸۸-۹۱۲ هجری قمری»(همان، ٤٧) فرا رسید که در این دوران آثار بسیاری از معراج به دست آمده است. یکی از بزرگ ترین آثار و زیباترین نسخ فارسی معراج نامه نیز در فاصله بین بایسنقر تا بهزاد به نام معراج نامه شاهرخی پدید آمده است. این نسخه خطی مزین به شصت ویک تصویراست که از ابتدا تا انتهای سفر حضرت پیامبر(ص) را به زیبایی تصویرکرده است.(تصویر٤) این تصویر معراج نامه جزء معدود آثاری است که براق درآن حضور ندارد و دلیل آن هم این است که نقاش می خواسته نشان دهد که براق وجبرئیل اجازه ورود به این محل را ندارند. انتخاب رنگ ها دراین تصویر به گونه ای است که هریک نمادی از یک موضوع هستند، قرمز نشانه یاقوت آتشین، طلایی نماد نور و غیره است. عمده رنگ های مورد استفاده در تصویر قرمز، بنفش، طلایی، زرد و غیره است که این رنگ ها در قسمت های مختلف تصویرتکرارشده اند. تنها در یک جا رنگ سفید دیده می شود وآن هم رنگ عمامه حضرت پیامبر(ص) است که نشان گر پاکی ایشان است. قلم گیری های تصویر با رنگ های گرم انجام شده و از ویژگی های نقاشی این دوره است. همچنین عناصرتزیینی درتصویردیده نمی شود و قسمت های مختلف تصویر وپیکره ها در نهایت سادگی ترسیم شده اند و فقط پرده ها اندکی تزیین شده اند.

ازمیان تصاویر این دوره فقط یک نگاره وجود دارد که جهت حرکت آن از سمت چپ قاب است (تصویر٥) و در باقی تصاویر جهت حرکت از راست به چپ می باشد. عمده رنگ های به کار رفته در این تصاویر آبی، زرد، قرمز و طلایی است. برخلاف نمونه های دیگر این دوره که ابرهای چینی بخش زیادی از تصویر را در برگرفته اند، در این

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۹-معراج، یوسف و زلیخا جامی، ۹۴۰ هجری قمری،کتابخانه قاهره

تصویر ۱۰- معراج، حبیب‌السیر خواندمیر،کاتب نا معلوم، موزه کاخ گلستان

اثر از حجم ابرها کاسته شده و آسمان را ابرهای سفید و خاکستری به صورت پراکنده پرکرده و هرچه به سمت بالای تصویر می رویم بر حجم ابرها افزوده می شود. در این تصویر نیز همانند دیگر تصاویر این دوره ازعناصر تزیینی کم تر استفاده شده است.

پس ازآن که ترکمانان به روی کارآمدند و شاهرخ توانست آن ها را تحت نظارت خود در آورد مرگ امانش نداد و آن ها بار دیگر محل حکومت خود را به طرف مرزهای غربی ایران انتقال دادند. در همین زمان جهان شاه غرب ایران را درنوردید و برای مدتی هرات را به تصرف خود درآورد.آن ها از دو قبیله بزرگ قراقویونلووآق قویونلو تشکیل شده بودند. از ویژگی آثارترکمانان می توان به پیکره های عروسک گونه نسبتا چاق با صورت های گرد و پاهای نازک و مناظر چینی اشاره کرد که بیش تر مربوط به دوران مینگ است تا دوران یوان.(رهنورد،۱۳۸۳، ۹۹) (تصویر٦) در این تصویر عناصر تزیینی به صورت ابرهای درهم پیچیده تصویر را به طور کامل احاطه کرده و پیامبر(ص) درآن محصور شده است. با توجه به این که این تصویر به شکل سیاه و سفید است نمی توان در باره رنگ آن اظهارنظر کرد.

دراین زمان هنرمندی به نام فرهاد در استقرارسبکی ازنقاشی- طراحی که دارای ترکیب بندی های غیرپیچیده، منظره‌پردازی ساده و با زمینه رنگ پریده،علف‌ها وگیاهانی که به صورت قالبی وهندسی قرارمی‌گیرند و با رنگ سبزوگیاهان زرد، پیکره‌های چاق با چهره گرد و ابروهای کمانی و دماغ ها و دهان های کوچک نقش داشته است. او مجموعه ای را به نام خاوران نامه نقاشی کرده است که یکی از تصاویر آن معراج پیامبر (ص) می باشد.(تصویر۷) تنوع رنگ درتصویر زیاد است اما عمده رنگ های به کار رفته قرمز،آبی و طلایی می باشد و رنگ ها بیش تر به صورت خاکستری استفاده شده است. فرشته های اطراف اغلب یک شکل و یک اندازه به حالت خپل وکوتاه بادهان وبینی کوچک وابروان کمانی تصویر شده اند و به نظر می رسد فقط از نظر رنگ و جهت نگاه با یکدیگر تفاوت دارند. حرکت حضرت پیامبر(ص) ازسمت راست تصویر به داخل قاب است. ترکیب بندی تصویر به صورت حلزونی است و از فرشته ای که در سمت راست تصویر قرار دارد و دارای بال هایی به رنگ بنفش است شروع و به مرکز یعنی براق و فرشته ای که در بالای سر پیامبر قراردارد، ختم می شود.

با روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی درتبریز حکومت وی آغاز شد. دراین زمان سلطان محمد، هنرمند معروف و خوش آوازه عرصه هنر ایران نیز می زیست

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۱: معراج، هفت اورنگ جامی، ۷۲-۹۳۶ هجری قمری،ابعاد ۲۳×۳۴/۵سانتی متر

تصویر۱۲- خمسه نظامی سال۹۵۶ هجری قمری، هنرمند نامعلوم، مدرسه شهید مطهری

که در شاهنامه نیز ردپایی از وی دیده می شود. او در سال های آخر عمر در نسخه خمسه نظامی سال ۴۹-۹۴۵ هجری قمری که هم اکنون درکتابخانه بریتانیا نگه داری می شود، استادی و مهارت چشم گیری از خود نشان داده است. نگاره معراج اوکه یکی از مشهور ترین آثارنقاشی در این زمینه است آخرین اثر هنری او محسوب می شود. (تصویر۸) دراین نگاره صورت حضرت پیامبر(ص) با نقاب سفید رنگی پوشیده شده و سوار بر براق درمیان فرشتگان قرارگرفته است. ترکیب بندی اثر به صورت مارپیچ است و ازسمت چپ تصویر شروع شده و به فرشته ای که در پشت براق قراردارد ختم می شود. نقطه مرکزی و ثقل این مارپیچ حضرت رســـــول(ص) و براق است که با نوار و شعله های طلایی نورگرداگرد سر حضرت پیامبر(ص) و براق به صورت جداگانه کارشده است. این شعله ها در اطراف جبرئیل نیزدیده می شوند اما دیگرفرشته ها از آن عاری می باشند. رنگ آمیزی درخشان و استادانه این نگاره به صورت لاجوردی، سفید و طلایی است اگرچه رنگ های دیگری نظیر آبی، نارنجی، سبز و قرمز نیز دیده می شود. عناصرتزیینی تصویر فقط ابرها و شعله های نور است و هیچ اثر تذهیبی درآن وجود ندارد.

در تصاویر معراج این دوران به جز یک تصویر که حرکت حضرت پیامبر(ص) از سمت چپ قاب به داخل تصویر شده، حرکت از راست به چپ می باشد.(تصویر۹) در این تصویر ابرهای چینی سفید و خاکستری رنگ حذف شده و به صورت طلایی نمایان شده است. عمده رنگ به کار رفته در تصاویر نیزآبی، طلایی، قرمز و سفید می باشد.

شاه طهماسب از اواخر دهه ۹۴۷ هجری قمری دست ازحمایت نقاشان کشید و در سال۹۵۵ هجری قمری و یا ۹۶۲ هجری قمری پایتخت خود را به قزوین منتقل کرد. دراربع سوم سده دهم هجری قمری برادرزاده او ابراهیم میرزا در مشهد تعدادی از نقاشان را به خدمت گرفت و نقاشی بار دیگر مورد حمایت دربار قرارگرفت. در نگاره‌های این زمان تلاش زیادی برای نشان دادن دوره جوانی شده است. تکامل شیوه خطی و رنگ‌آمیزی غنی و تاثیرگذار است. پس زمینه عموما مسطح وگاه با چندگیاه و ابر نقش شده‌اند. اما در اواخر سده دهم هجری قمری و اوایل سده یازدهم هجری قمری سبک دیگری از نقاشی که به ایالتی، تجاری خراسان و استرآباد (رابینسون، ۱۳۷۶، ۶۱) معروف شد، شکل گرفت.

در این زمان سبک درباری ابراهیم میرزا بسیار ساده شد و نتیجه آن تعداد زیادی نسخ خطی است. مهم ترین مشخصه نقاشی های این دوره جدول های رنگ آمیزی شده شدید و دقیق با پرده رنگ های غنی منظره، زمین و آسمان است. درتصویری که از این دوران به دست

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۳-حضرت محمد(ص)درمعراج، ۱۹/۵×۳۱/۸ سانتی متر

آمده (تصویر۱۰) جبرئیل دیده نمی شود. حرکت براق ازسمت راست به چپ تصویر می باشد و هاله ای نور اطراف حضرت پیامبر(ص) و براق را احاطه کرده است. این هاله به شکلی است که به صورت یکپارچه از پایین پای براق تا بالای سر حضرت پیامبر (ص) و اطراف ایشان در برگرفته است. عمده رنگ به کار رفته طلایی وآبی می باشد و جهت حرکت حضرت پیامبر(ص) از راست به چپ است. رنگ براق و پیامبر(ص) تیره کارشده و رنگ سفیدی که صورت و عمامه حضرت پیامبر(ص) را پوشانده و نیز کلاه سبز رنگی که بر سر براق گذاشته پاکی و طهارت را نشان می دهد. همچنین ترکیب بندی تصویر به صورت مارپیچ است.

پس ازآن که شاه طهماسب پایتخت خود را به قزوین منتقل کرد، تعدادی از نقاشان درآن جا ساکن شدند و آثاری را به وجودآوردند. شاه طهماسب دراواخرعمر، علاقه خود به نقاشی را از دست داد و به همین دلیل هنرمندان از اطراف او پراکنده شدند.

پس ازمرگ شاه طهماسب در سال ۹۸۳ هجری قمری (همان، ٦٣) شاه اسماعیل دوم برتخت نشست و با توجه به گرایش های هنری که داشت هنرمندان را موردحمایت قرار داد. علاقه نقاشان ایرانی و درباری و نیز حامیان آن ها به مضامین و موضوعات واقعی سبب شد توجه به این مساله

تصویر۱۴- معراج، محمد زمان۲۳/۵×۳۵سانتی متر، قصص الانبیاء، ابراهیم ابن منصورنیشابوری

زیاد شود. زندگی و مسائل درباری بیش تر مورد توجه قرار گرفت و از تزیینات مکتب تبریز کاسته شد و آثار رو به سادگی رفت. عمده رنگ های به کار رفته در تصاویر معراج این دوره آبی، زرد، قرمز وطلایی است و جهت حرکت پیامبر از راست به داخل قاب می باشد.(تصویر۱۱)

در زمان تیموریان، شیراز تامین کننده نسخه های تذهیب کاری برای تجار و اشراف ایران، هند و عثمانی بوده و هنگامی که درسال ۹۰۸ هجری قمری تحت سلطه صفویان درآمد هنرمندان را به سوی خود جذب کرد.(همان، ٦٥) در این دوره هنرمندانی نظیر مرشد نعیم الدین اوحدی فعالیت داشتند که کارشان از زمان ترکمانان ادامه داشت. در حدود ربع قرن دهم هجری قمری آن نسخه ها دچار تغییراتی شدند مانند پیکره های کمی چاق وخپل و کلاه قزل باشی، باریک تر، این تغییرات باعث شدکه هنرمندان دیگر را تحت تاثیرخودقراردهد. نسخه های شیرازدر سده دهم هجری قمری برتر ازنسخه هایی بودکه باحواشی حتی بیش تر ازدوره تیموریان ترکیب می شد. عمده رنگ های به کار رفته درتصاویر مربوط به معراج در این دوران طلایی،آبی و قرمز است. جهت حرکت پیامبر نیز به داخل کادر ازسمت راست تصویر می باشد. در نگاره، نمایی کلی ازصحنه معراج ترسیم شده که شانزده فرشته نقاشی شده و هرکدام مشغول کاری هستند و در دست خود چیزی راحمل می کنند. اغلب فرشتگان با خودشعله های نور را در دست دارند. حضرت پیامبر(ص) بر براق به طورکامل در شعله های نور قرار دارند. ترکیب بندی اثر به صورت مارپیچ حلزونی است که ابتدا از فرشته ای که درسمت راست تصویر در بالاترین محل قرار دارد شروع وبه جبرئیل در مرکز صفحه ختم می شود. حضرت پیامبر(ص) در تصویر با لباس سبزکه نماد پاکی وقد است است و در زیر آن از رنگ قرمزاستفاده شده که کاربرد رنگ مکمل زیبایی و تاکید تصویر افزوده است. همچنین ازنظر وسعت اندازه ای که نقاش برای براق و حضرت پیامبر(ص) درنظر

www.SID.ir

Archive of SID

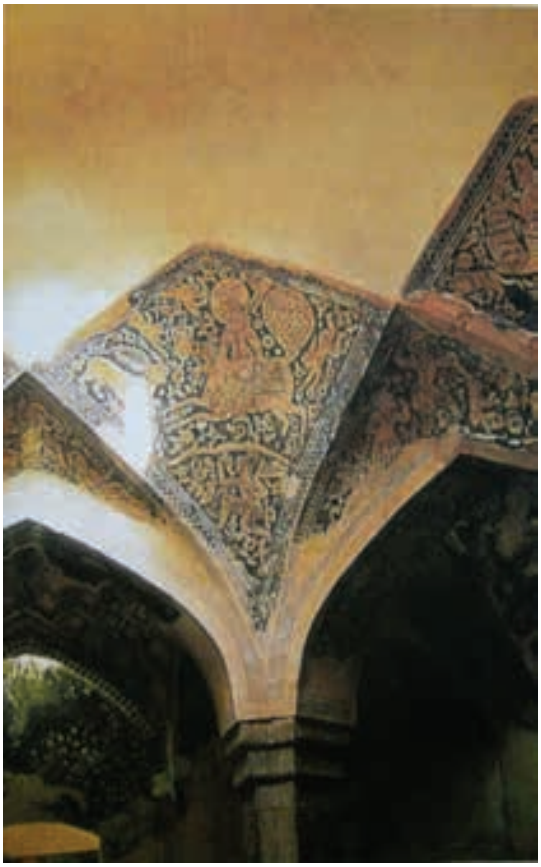

تصویر۱۵- سربینه حمام وکیل شیراز

تصویر۱۶- قاجار، بی نام، بدون رقم

گرفته نشان می دهد هدفش تاکید بیش تربر حضرت رسول و براق است. در تصویردوکتیبه خوشنویسی شده را می بینیم که یکی از آن ها درپایین تصویر و درانتهای آن ودیگری درمیانه متن نزدیک به بالای قاب نوشته شده که این خود یکی از علل تمایز این تصویر از تصاویر دیگر معراج است. نوع نگارش متن کتیبه ها به گونه ای زیرکانه است که باعث عدم بریدگی وجدایی تصویر از قسمت پایین شده است. در واقع کتیبه میانی به حالتی فلش گونه برای حرکت دوباره به داخل متن تصویر عمل می کند. همچنین فرشته هایی که در بالای قاب کتیبه قرار دارند تقریبا در حالتی هستند که درپایین کتیبه مشاهده می شود و این جدایی می تواند از تکرار آن بکاهد.(تصویر۱۲)

عده‌ای از بازماندگان مغول از سال ۹۰۵ هجری قمری ماوراءالنهر را از چنگ نوادگان تیمور بیرون آوردند(گودرزی،۱۳۸٤، ۵۸) و چون رهبر آن ها شیبان بود به نام شیبانیان خوانده شدند. در زمان جانشینان تیمور و شیبانیان، بخارا رابطه مستقیم با مکاتب نقاشی داشت و هنرمندان کم تر به مضامین چینی می‌پرداختند. به علت سخت‌گیری‌های محمد شاهی بیک، عده‌ای از هنرمندان هرات به همراه شیبک خان به بخارا، پایتخت او مهاجرت کردند که معروف ترین هنرمندان این مکتب محمود مذهب، عبدالله نقاش، مولانا میر علی مذهب، محمد مقیم، محمد امین می‌باشند.(رابینسون،۱۳۷٦، ۷۰-٦۹) اتفاقات فراوانی که در این مکتب روی داد باعث گـــــردید نقاشی دراین زمان هندویی شود.تصویربه دست آمده ازمعراج متعلق به این دوران به صورت سیاه وسفید است اما جهت حرکت حضرت پیامبر(ص) از سمت چپ به داخل قاب می باشد. (تصویر۱۳)

پس از مرگ شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۵ هجری قمری شاه عباس روی کار آمد و پایخت خود را به اصفهان منتقل کرد و آخرین دوره حکومت صفویه در اصفهان شکل گرفت. شاه عباس کتابخانه خود را تاسیس کرد و صادقی بیک را که خود هنرمند چیره دستی بود به ریاست آن برگزید. اما پس از چندی او افول کرد و هنرمندی به نام رضا عباسی توانست سبکی را ابداع کند که درعرض دو دهه آینده چهره نگاری ایران راتغییردهد.(همان،۷۲) در اواخر زندگی شاه عباس نقاشانی مانند حبیب الله مشهدی و محمدحسین اصفهانی زندگی می کردند که آثار زیبایی را هم به وجودآوردند.(همان،۸۳) همچنین می توان به شاگردان رضاعباسی نظیر معین مصور، محمدقاسم، محمدیوسف، محمدعلی و محمدزمان اشاره کرد.(پاکباز، ۱۳۸٦، ۱۲٦) این زمان مصادف بود با راه یافتن اروپاییان به ایران که

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۷- قاجار، معراج حضرت پیامبراکرم(ص)، رنگ روغن پشت شیشه،۱۹×۲۴ سانتی متر، بدون رقم، بدون تاریخ، مجموعه

تصویر۱۸- معراج، علی اکبرمطیع، برداشت از اثر سلطان محمد ۲۰×۲۸/۵ سانتی متر

نتیجه آن تاثیر برروی نقاشی های آن ها می باشد. این تاثیرات بیش تر در لباس وکلاه ها دیده می شود تا در شیوه و نوع قاب. تصاویر فراوان آن دوره نشان می دهد که هنرمندان نسبت به مذهب توجه داشته اند(رهنورد، ۱۳۸٦، ۱٤۸) اغلب تصاویر به صورت سیاه وسفید هستند اما درتصاویررنگی، رنگ های به کار رفته طلایی، قرمز،آبی و سفید می باشد. به جز دو تصویر از این آثار در باقی آن ها جهت حرکت حضرت پیامبر(ص) از سمت راست به داخل قاب تصویر است.(تصویر۱٤)

پس از هجوم افاغنه به اصفهان و فتح این شهر در سال ۱۱۳۵ هجری قمری که منجر به سقوط حکومت صفویه گردید، حکومت افشاریه آغاز شد.(همان، ۱۵۵) ازاین دوران تصویری با موضوع معراج مشاهده نشده است.

پس از قتل نادرشاه، کریم خان زند حکومت را به دست گرفت و شیراز را به عنوان پایتخت برگزید. او با الگوبرداری از معماری عصرصفوی کوشید این شهر را مانند اصفهان سده یازدهم صاحب شکوه و عظمت نماید. مجموعه تاریخی وکیل یکی از این نمونه هاست. از ویژگی زیبایی شناسی نگارگری این دوره تاکید هنرمند بر استفاده از عناصرتزیینی، نظیردسته ای ازگل هـــای دل انگیز و رنگارنگ بر روی لباس ها است. هنر نقاشی در دوران کریم خان با نقاشی سده یازدهم پیوند زیادی داشت ولی به واسطه ویژگی پیکره ها و جامعه قابل تفکیک از هم می باشند.(همان، ۱٦۸-۱٦۲) در تصاویر به دست آمده از این دوران شاهد دیوارنگاره هایی با موضوع معراج هستیم که در حمام وکیل نقاشی شده است.(تصویر۱۵) این دیوارنگاره ها بدون رنگ وتزئین کشیده شده و نقاش با پرهیز از هرنوع اضافه گویی به بیان واقعه معراج پرداخته است.

پس ازمرگ کریم خان زند حکومت قاجار آغاز شد.آقا محمدخان که به دنبال قدرت بود، پس از پیروزی بر رقبای خویش درسال ۱۲۱۰هجری قمری خود را پادشاه ایران معرفی کرد.(رابینسون،۱۳۷٦، ۸٦) اما پس از چند ماه در جنگ با شورشیان گرجی کشته شد و برادرش فتحعلی شاه، به تخت نشست. پس از مرگ فتحعلی شاه محمد میرزا برتخت نشست و پس ازاونیز ناصرالدین شاه به سلطنت رسید.(رهنورد،۱۳۸٦، ۱۷٤-۱٦۹)

آن چه در باره ویژگی های زیبایی شناسی مکتب قاجار تهران می توان گفت این است که هنر در این دوران آگاهانه از دوره صفویه تاثیر پذیرفته و دارای سه ویژگی گردید: ۱-فقدان ارتباط قطعی باتمدن کهن اسلامی۲ -تاثیرات و ورود عناصرغربی و وابستگی به آن۳- حضورعناصر مردمی و عامیانه.(همان، ۱۷٤-۱٦۹) از این دوران تصاویر بسیاری از جمله پنج معراج نـــــامه چاپ سنگی که درکتابخانه ملی ایران نگه داری می شود و تعدادی نگاره به دست آمده است. عمده تصاویر جهت حرکت حضرت

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۹-۱ معراج، عبدالمجید حسینی‌راد،فرهنگستان هنر،۱۳۸۴
رنگ روغن روی بوم،۱۴۰ ×۱۲۰سانتی‌متر

تصویر۱۹-۲ معراج، ایرج، اسکندری، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴،ترکیب مواد، ۱۰۰×۱۶۰ سانتی متر

تصویر۱۹-۳ معراج حبیب ا... صادقی، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، ترکیب مواد ۱۰۰×۱۰۰ سانتی متر

تصویر۲۰-هند، براق، بدون رقم، بدون تاریخ

پیامبر(ص) از سمت راست تصویر به داخل قاب است. (تصویر۱۶) تصاویر اغلب سیاه وسفید و رنگ های به کار رفته سبز، آبی و سفید است.

یکی از هنرهای دوران قاجار نقاشی پشت شیشه بود که اغلب با رنگ روغن بر پشت شیشه کشیده می شد. بنابراین برای دیدن صحیح شکل، نقاش باید طرح و نقش خود را به صورت معکوس برپشت شیشه اجرا کند.(گودرزی،۱۳۸٤، ۸۱) (تصویر۱۷) دراین تصویر فقط دو پیکره وجود دارد، یعنی براق و حضرت پیامبر(ص). درپس زمینه تصویر پارچه ای که بر روی براق انداخته شده،آبی رنگ است، وسایر عناصر دارای رنگ های گرم هستند. در این اثر برخلاف تمام تصاویر قبلی هیچ فرشته ای دیده نمی شود و هنرمند از به کارگیری شخصیت های اضافی خودداری کرده است.

در این نقاشی گرایش به استفاده ازسطح، خط واجتناب از حجم پردازی آشکاراست. سطوح رنگی تصویر نیز در سطح وسیع کارشده و ریزه کاری مشاهده دیده نمی شود. همچنین هاله دور سر حضرت پیامبر(ص) نیز به صورت دایره است که ازآن با خطوط نامنظمی تشعشعات نور خارج می شود. این تصویر از معدود تصاویری

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۱- هند (دهلی)، معراج حضرت پیامبر(ص) احاطه شده با فرشتگان، ۱۸۰۰میلادی، ۴۲/۵×۶۱/۵ سانتی متر

تصویر۲۲- عثمانی، اولین نماز اسلام، سیرالنبی، مجموعه اسپنسر، کتابخانه ملی نیویورک

می باشد که دم براق به دم طاووس تشبیه شده است.

اما در دوره پهلوی با ظهورکمال الملک، نقاشی کلاسیک غربی و ساخت وسازهای عکس گونه و تجسم واقعی اشیاء و محیط باعث شد دیدگاه مردم در نقاشی تغییر کند. پس ازمرگ کمال الملک و تاسیس دانشگاه تهران، ترجمه آثار ادبی جهان و ورود جلیل ضیاءپور کم کم این مکتب رو به افول گذاشت.

ازدوره پهلوی یک تصویر که آن هم تقلید از کار سلطان محمد است وجود دارد. (تصویر۱۸) پس از پایان حکومت پهلوی و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی فصل تازه ای در نقاشی ایران به وجود آمد و اغلب هنرمندان که قشر جوان را هم تشکیل می دادند دست به احیای سنت های انقلابی و دینی زدند. بنابر این رو آوردن به هنرهای سنتی ازجمله نگارگری از ویژگی های نقاشی پس از انقلاب است. در سال۱۳۵۹ کشور دچار جنگ شد و شهادت زیباترین وبالاترین مضمونی بود که هنرمندان به آن پرداختند. به این ترتیب آثاری را خلق کردند که معنای متعالی وباطن دفاع را حمایت می کرد.(گودرزی، ۱۳۸٤، ۱٦۷-۱۵۸)

پس از پایان دفاع مقدس فرصتی مناسب برای گرایش های نو، نقاشی غرب و تمایلات جدید به وجودآمد و نقاشی از نمونه های اروپایی مایه گرفت و حتی در بعضی موارد مورد تقلید هم قرارگرفت. ظهور گروه های مختلف با نام ها وعناوین گوناگون، به وجودآمدن بینال های متعدد مانند نقاشی، نگارگری، مجسمه سازی و غیره ازدستاوردهای این دوران می باشد.(همان، ۱۸۸-۱۸۵) (مجموعه تصاویر۱۹)

نقاشی هایی با موضوع معراج درکشورهای اسلامی

اهل تسنن اکثریت مسلمانان جهان را تشکیل می دهند. آن ها استفاده ازصورتگری را برای نمایش تعالیم دینی و تاریخ اسلام جایز ندانسته و منع می کنند. اهل تسنن مخالف نصب تصاویر در مساجد هستند و هرگونه نقاشی یا پیکره ای که موجودات زنده را به نمایش بگذارد حرام می شمارند و معتقدند درهنرمقدس اسلام نقاشی پیکره ، حیوانات وانسان جایز نیست.

فقدان هنردینی اسلامی از این اشکال و تصاویر اساسا ناشی ازمنع کلامی آن ها در سده اولیه اسلامی است. ازجمله کسانی که برصورتگری به ویژه تصویرکردن انسان انتقاد می کردند اهل حدیث بودند و آن ها مبنای این موضوع را احادیث نبوی می دانستند. نقاشان اهل سنت در تصویرکردن واقعه معراج به ترسیم براق اکتفا نموده اند و فقط در تعداد محدودی از کشورها شمایل حضرت محمد(ص)رامی بینیم.(عکاشه، ۱۳۸۰، ۵۸)

هند

سرزمین هند ازمناطق مهم تاریخ تمدن بشری به شمار می رود که روزگاری عرصه ظهور چند تمدن عظیم و دین به نام جهان بوده است. نخستین ارتباط مسلمین با هند به دوران صدراسلام باز می گردد که این ارتباط ازطریق

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۳- عثمانی، بی تاریخ، احتمالا سیرالنبی، مجموعه اسپنسر، کتابخانه ملی نیویورک

تصویر۲۴- مصر، البراق نورالشریف، ۱۹۶۰، بدون رقم

بازرگانان بوده است. از اوایل سده یازدهم میلادی هجوم مکرر سلطان محمود غزنوی به این کشور و غارت های مکرر سپاه اوباعث تضعیف قدرت سیاسی و نظامی سلاطین محلی گردید. به همین دلیل تا دو قرن بعد، یعنی سده سیزدهم میلادی آثار قابل توجهی مشاهده نمی شود.

ازاین زمان به بعد به تدریج با مهاجرت مسلمین به هند یک تعامل فرهنگی عظیم آغاز شد. انتقال اسلام به هند اساسا توسط ایرانیان صورت گرفت. فنون کتاب آرایی نیز رشد کرد و به اوج خود رسیدبه طوری که برخی از زیباترین نسخه های مذهب و مطلای فارسی در شبه قاره هند تدوین گردیده است.

تاثیر فرهنگ ایران بر سرزمین هند در زمینه نقاشی مینیاتور، هنرهای دستی، فرش و معماری به وضوح دیده می شود. اوج هنر هند را که «هندو- ایرانی» نیز می نامند در دوران حکومت مغولان تیموری قابل مشاهده است.

در بسیاری از نقاشی ها مربوط به معراج این کشور شاهد حضور حضرت پیامبر(ص) هستیم. تصاویر به گونه ای ساده و عاری از هرگونه تزئین نشان داده شده است.(تصاویر۲۱و۲۰)

در تصویر۲۰ از هر نوع زیاده گویی و تزیین پرهیز شده و حضرت پیامبر(ص) و براق تمام تصویررا احاطه کرده اند. دور سر حضرت پیامبر(ص) هاله نور دیده می شود و دم براق نیز به دم طاووس تشبیه شده است.

حرکت چشم براق، دست حضرت رسول اکرم(ص) و پاهای براق همه به گونه ای است که حرکت به سوی جلو را تشدید می کند. از ویژگی های بارز این اثر که مشخصه کشور هند می باشد تاج و گردنبند براق است که دارای عناصر و نشانه های هندی می باشد.(عکاشه، ۱۳۸۰، ۲۴۶-۲۲۳)

عثمانی

به دنبال یورش مغول ها به ایران و قتل و غارت مردم تعدادی از ایرانیان برای نجات جان خود وخانواده شان ترک دیار کرده و به کشورهای هم جوار مهاجرت نمودند. درمیان گروه های مهاجر قبیله کوچکی ازخراسان بودندکه درسال ۱۲۲۴میلادی درآناتولی اقامت گزیدند. این گروه مهاجر درخانواده سلجوق پذیرفته و بعدها دارای مقام عالیه اداری شدند. در سال ۱۳۰۰ میلادی سلسله پادشاهی عثمانی بنیان گذاشته شد و تا سال ۱۹۳۶ میلادی ادامه داشت.(کارل جی، ۱۳۶۳، ۱۴۹)

عثمانی ها تنها به حکمرانی بر سرزمین سلاجقه اکتفا نکرده و در پی گسترش قلمرو خویش بودند. کتاب ها و آثار خطی در دوره عثمانی ها دست به دست می گشت و در اوج اعتبار و رونق بود. سلاطین عثمانی به خطاطی علاقه زیادی داشتند و در بسیاری موارد از ایرانی ها نیز تقلید می کردند.آن ها شیفته مینیاتورهای ایرانی بودند وآن طور که مشهور است ایرانیان تاثیر زیادی بر روی ترک ها گذاشته اند.گرچه مینیاتورهای ایرانی وترکی را می توان بنا به رنگ آمیزی، طرح، لباس و حتی در پرتره ها از یکدیگر تشخیص داد.

یکی ازقدیمی ترین نوشته های خطی دوران عثمانی ها کتاب خسرو و شیرین و نظامی گنجوی است که توسط شیخی به ترکی ترجمه شده است.(گودرزی، ۱۳۸۴، ۱۷۰-۱۶۸) (تصویر۲۲) تصاویر آن دوره نشان می دهد آن ها در مورد صورت کشی و ترسیم شمایل حضرت پیامبر(ص) تعصب کم تری داشته و در اغلب نقاشی ها حضور ایشان را با رنگ های سبز، سفید و قرمزدر ترکیب بندی های هندسی می بینیم.(عکاشه، ۱۳۸۰، ۱۷۰-۱۶۸) (تصویر۲۳)

در این تصویر نقاش عناصر را به گونه ای در قاب مستطیل افقی چیده است که حضرت پیامبر(ص) و حضرت جبرئیل در یک سوم راست تصویر قرار دارند. حضرت پیامبر(ص) با ردایی بلند به رنگ سبزدیده می شود و عمامه و صورت ایشان به رنگ سفید است و با قلم گیری های صورتی رنگ از یکدیگر جدا شده و حجم پیدا کرده است.

مصر

در بسیاری از کتاب های تاریخ هنر در بررسی هنر تمدن های کهن، یا تمدن بین النهرین اولین مبحث قرار گرفته یا مصر.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۲۵- مصر، براق، هنر مردمی، بدون رقم ماخذ: Hajj Painting 7995,748

تصویر۲۶- مصر، براق، هنر مردمی، بدون رقم ، ماخذ: همان،۱۴۹

تصویر۲۷- عراق، براق، بدون تاریخ، بدون رقم

با توجه به این که در طول تاریخ کشور مصر کم تر مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته توانسته برای مدتی بسیار طولانی در زمینه های مختلف هنری هویتی مستقل و با ثبات برای خود حفظ نماید. رود نیل در طول تاریخ منشا آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است. این رودخانه از میان دو بیابان خشک «صحرای عربستان» (در شرق) و «صحرای لیبی»(در غرب) عبورکرده ونوار سبز و حاصل خیزی را در این پهنه خشک و سوزان ایجاد نموده، به همین دلیل می توان آن را شاهرگ حیاتی تمدن مصر دانست.

نقاشان مصری، برای تجسم پیکره های انسانی قواعد و قراردادهایی را به کارمی بردند که بی شباهـــــــت به سنت های تجسمی بین النهرین نبوده است. در تصاویر به دست آمده در باره معراج فقط حضور براق را به عنوان

www.SID.ir

Archive of SID

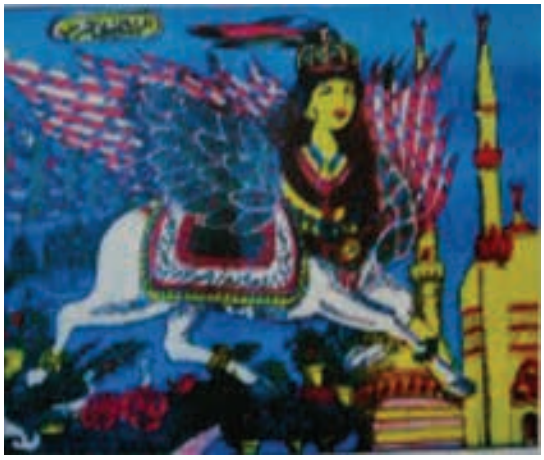

تصویر۲۸-عربستان،معراج،بدون تاریخ،بدون رقم،اکرلیک روی بوم

موجودی مونث می بینیم. عنصرتزیینی و توجه به جزییات و استفاده زیاد از رنگ سبز از ویژگی های مشخص این کشور می باشد۱.(تصویر۲٤) به دلیل تعصبات مذهبی نقاش از ترسیم تصویر حضرت محمد(ص) خودداری کرده و فقط حضور براق نشان از واقعه معراج دارد و محل قرارگیری آن به شکلی است که نشان می دهد بالاتر از سطح زمین قرار دارد و زمینه پشت سر حضرت پیامبر(ص) نیز به رنگ آبی نقاشی شده که تاکید برآسمان دارد و نشان می دهد براق در آسمان حرکت می کند.

همچنین جهت حرکت پرنده ها به سمت بالا است و قرار گرفتن بدن براق ازسطح گنبد همه بر حرکت براق به سوی بالا دلالت دارد. جهت حرکت براق از سمت چپ به داخل قاب است ولی به انتهای آن نچسبیده و فاصله دارد که حرکت به جلو را نشان می دهد. دم براق به طاووس تشبیه شده و تصویر دارای عناصر تزیینی بسیار است. عمده رنگ های به کاررفته در تصویر قرمز، سفید، سبز وآبی می باشد. بیش تر عناصر تصویر به صورت افقی است و مناره هایی که درسمت راست تصویر به صورت عمودی قرار دارد به حالت ستون عمل می کند که از به هم ریختگی تصویر جلوگیری می کند. از دیگر نمونه های تصویری تصاویر ۲۵ و ۲٦ می باشد.

عراق

یکی از خاستگاه های هنر در دوره های نخستین نقاشی اسلامی کشور عراق است. درآن جا به فرمان شاهان آشور یک معبد باستانی بنا شده بود و پس ازآن که گروهی ازمقدونی ها درآن شهرسکونت گزیدند، پرستش خدایان متعدد با نام وسیمای یونانی نیز معمول گردید. ساکنان حران تاپیش از ظهوراسلام پیرو آیین های آمیخته از بابلی و یونانی بودند که اساس آن ها بر پرستش ماه بود. دردوره خلافای عباسی، هنگامی که جنبش ترجمه و فراگیری دانش و فرهنگ یونانی آغاز گردید، بت پرستان حران بیش ترین سهم را درآن جنبش برعهده داشتند و به

تصویر۲۹-بحرین، براق ، خالدالمحرقی منتظر، ۲۰۰۴

تصویر۳۰- نیجریه، بدون رقم، بدون تاریخ

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳۱- پاکستان، نقاشی بر روی ماشین، بدون رقم، بدون تاریخ

علوم ستاره شناسی و ریاضیات روی آوردند. تصاویر فلکی که در میان نخستین نمونه های نگارگری اسلامی پدیدار گردید زاییده همین است.

این که آیا بت پرستان حران در تکامل فن نقاشی در نواحی دیگر نیز مشارکت داشته اند یا نه بر ما آشکار نیست، اما روشن است که آن ها به این هنر و نیز به هنرهای فرهنگ باستانی اهتمام ورزیده اند. در تصاویر موجود از این کشور شاهد حضور براق به تنهایی هستیم. با توجه به شیوه نقاشی می توان حدس زد که این آثار متعلق به دهه اخیر بوده و قاب آن ها به مربع نزدیک است. اندازه براق به گونه ای است که بیش تر فضای قاب را پرکرده است. (تصویر۲۷) در این نقاشی همانند اثری که از کشور مصر ارائه شد، فقط براق دیده می شود اما در جهت مخالف، یعنی ورود براق از راست به چپ می باشد. این اثر چند تفاوت عمده با آثار دیگر دارد که عبارت است از تصویر کردن معراج، عدم توجه به جزئیات، نوع طراحی و عناصر موجود در نگارگری. حرکت سریع و راحت قلم، استفاده از ضربات قلم مو و رنگ ها و بافت های متنوع در تصویر گویایی جسارت هنرمند درتغییر نوع نگاه است. رنگ های مورد استفاده در این نقاشی قرمز، نارنجی، سفید و آبی متمایل به سیاه است. بافت های متنوع موجود در تصویر به نوعی حالت تزیینی به اثر داده است.

عربستان، بحرین، نیجریه، پاکستان

با ظهور اسلام در عربستان وگسترش آن در سراسر جهان، هنر نیز دستخوش تغییر شد. درابتدا شیوه معماری بسط یافت و پس از مدتی با توجه به اعتقادات کشورها به دین اسلام و ممنوعیت صورت کشی این هنر رشد پیدا کرد.

درنقاشی های این دوره بیش تر شاهد المان های تصویری هستیم، از عناصری مانند گنبد سبز مرقد حضرت پیامبر(ص) به جای ایشان و یا نوشتن نام آن بزرگوار استفاده شده است. ترسیم براق عامل مهمی برای نشان دادن واقعه معراج بوده است.(عکاشه، ۱۳۸۰، ۲۰۱-۱۸۹) در این تصاویر از رنگ های قرمز، سبز،آبی و طلایی بسیار استفاده شده است.(تصویر ۲۸)

تصویر۲۹، یکی از آثار مربوط به کشور بحرین است رنگ های این اثر به گونه ای است که بر واقع شدن معراج در شب تاکید دارد اما براق به گونه ای متمایز از تمامی نقاشی های دیگر است. حرکت براق رو به سوی بالا و به سمت داخل تصویر است. عمق میدانی که در هیچ یک از تصاویر قبلی نمی دیدیم در این اثر به صورت کاملا واضح به چشم می خورد.

تصویر ۳۰، مربوط به کشورنیجریه است که شباهت زیادی به نمونه مشابه درکشور مصر دارد. به نظر می رسد

www.SID.ir

Archive of SID

یکی ازاین دو نقاش بر دیگری تاثیرگذاشته و از روی کار هم برداشت کرده اند و فقط در رنگ آن تغییراتی به وجود آورده اند. اگرچه در نقاشی مصری اندکی قاب بسته تر شده است. در آثار نقاشی کشور عربستان نیز فقط براق دیده می شود. قاب تصویر به صورت مستطیل عمودی است و شامل دو قسمت یعنی آسمان و زمین است. در بخش آسمان براق، ستاره ها وگنبد مقبره حضرت پیامبر(ص) و در پایین اثر نمایی ازمسجدالاقصی و درختان اطراف آن دیده می شود. در قسمت پایین غروب خورشید با نور نارنجی در آسمان تصویر شده و در بخش بالا نیز شب را نشان می دهدکه سرشارازستاره است.

براق در این تصویر بسیار تزیینی کارشده و همانند دیگر تصاویر برای آن جنس مونث درنظرگرفته شده است. علاوه بر عناصر تزیینی موهای بلند براق نیز بر این موضوع تاکید دارد. اما نکته مهم و قابل توجه که زیرکی نقاش را نشان می دهد این است که اگرچه نتوانسته چهره حضرت پیامبر(ص) را تصویر کند اما در محل نشستن ایشان بر روی براق، گنبد سبز را که برای همه آشناست، ترسیم کرده است. همچنین هاله نوری که اطراف سر حضرت پیامبر(ص) قراردارد را نیز در اطراف گنـــبد می بینیم و روی پارچه ای که بر براق کشیده شده نام مبارک حضرت محمد(ص) نوشته شده که این موضوع نیز بر حضور حضرت در تصویر تاکید دارد.

در کنار آن چه ذکر شد از کشور پاکستان نیز تصاویری در دسترس است که فقط حضور براق در آن ها دیـــده می شود. این نقاشی ها بر روی ماشین های مختلف نیز کار شده است. (تصویر ۳۱)

نتیجه

معراج حضرت محمد(ص) رمز آمیزترین و عارفانه ترین معجزه الهی تاریخ اسلام است و همواره در طول تاریخ، هنرمندان، عارفان ، شاعران و سالکان به آن توجه کرده و ازآن الهام گرفته اند، همین الهامات موجب پیدایش منظومه ها وآثارهنری در این زمینه گردیده است. نخستین نمونه های موجود از نقاشی معراج حضرت محمد (ص) از نسخه جامع التواریخ نوشته رشیدالدین فضل ا.. همدانی است . هنرمند در این تصاویر حضرت محمد(ص) را بلندتر از هرپیکره ای نقاشی کرده است .

در تمامی آثار معراج فضایی روحانی و سرشار از معنویت حاکم است. ترکیب بندی های تصاویر عموما مارپیچ است (به جز در دوران معاصرکه به صورت هندسی در قالب مربع و مستطیل ارائه شده) این تصاویر نوعی فضای لایتناهی را تداعی می کندو در عین حال حرکتی عینی و پیچیده به کل تابلو می بخشد. فضای نقاشی عموما آکنده از رنگ های گرم و شادی بخش است و به نظر می رسد حرکت مداوم درآن ها به شکلی است که شور و نشاطی درتمامی آثار دیده می شود وتاکید زیادی برآن شده است. در بسیاری از نقاشی های ایران حضرت محمد مصطفی پیامبر(ص) و براق درحالی که در هاله نور احاطه شده اند در وسط قاب قرار دارند و فرشتگان با بال های رنگارنگ و تاج های طلایی بر روی سر و هدایایی در دست، پیامبر(ص) را احاطه کرده اند، حرکت فرشتگان عموما حالتی رقص گونه داشته و همه شاد هستند. رنگ ها نیز اغلب شورانگیز و معنوی اند. سردی آبی آسمان وگرمی رنگ های لباس فرشتگان و ابرهای مواج که قسمت بسیاری از آثار را پوشانده همه با ترکیبی استادانه و حالتی دلنواز و آهنگین را تداعی می کند. در بسیاری از نقاشی های ایرانی اولین مرحله معراج یعنی زمانی که حضرت پیامبر(ص) سوار بر مرکب خود، براق بوده اند و فرشته جبرئیل در جلو به عنوان راهنما در حال صعود هستند، تصویر شده است.

در دیگرکشورها به دلیل محدودیت و عقاید خاص در تصویر کردن حضرت پیامبر(ص) دارند، فقط براق نقاشی شده و آن را به عنوان نمادی از معراج نشان داده اند. این موضوع نشان از توجه هنرمندان به اولین مرحله معراج دارد یعنی تا زمانی که براق همراه حضرت پیامبر(ص) اجازه همراهی داشته است. در این تصاویر از ابرهای مواج،آسمان پرستاره و فرشتگان خبری نیست، ترکیب بندی ها نیز

www.SID.ir

Archive of SID

بسیار ساده کار شده اند.
مطالعه و بررسی نقاشی های به دست آمده گویای این است که نقاشان مسلمان در مورد معراج دیدگاهی مشابه دارند و معتقدند حضرت پیامبر(ص) به وسیله براق و در شب به معراج رفته اند. همچنین در بیش تر آثار براق وجود دارد و رنگ آبی آسمان نشان از تاریکی و واقع شدن این رویداد در شب دارد. رنگ های آبی لاجوردی، سفید، نارنجی، قرمز و طلایی بین تمام نقاشی ها مشترک است. اغلب ترکیب بندی ها مارپیچ و حلزونی می باشد و شروع حرکت حضرت پیامبر(ص)را از سمت راست تصویر و رو به بالا نشان می دهند. همچنین در بسیاری از این تصاویر بر مونث بودن شخصیت براق توسط عناصر تزیینی تاکید شده است.

منابع ومآخذ

آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن کریم، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶.
قرآن کریم،ترجمه آیتی عبدالمحمد، چاپ اول، سروش، تهران،۱۳۷۶.
برنو، باربارا، هنراسلامی، ترجمه شایسته فر، مهناز، چاپ اول، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران،۱۳۸۳.
پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیر باز تا امروز، چاپ سوم، انتشارات زرین و سیمین، تهران، بهار، ۱۳۸۳ .
رابینسون، ب.و، هنرنگارگری(۱۳۱۳-۱۸۹۶/۷۵۱-۱۳۵۰)، ترجمه آژند، یعقوب، چاپ اول، انتشارات مولی، تهران،۱۳۷۶ .
گودرزی «دیباج»، مرتضی، تاریخ نقاشی ایران، ازآغاز تا عصرصفویه، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران،۱۳۸۴ .
کارل جی، دوری، هنر اسلامی، ترجمه بصیری، رضا، چاپ اول، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۶۲
رزسگای، ماری، معراج نامه، سفرمعجزه آسای حضرت پیامبر(ص)، ترجمه شایسته فر، مهناز، چاپ اول، موسسه مطالعات هنراسلامی، تهران، بهار، ۱۳۸۵.
رهنورد، زهرا، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، نگارگری، چاپ اول، انتشارات سحت، تهران ۱۳۸۶.
خاوران نامه ابن حسام خوسفی بیرجندی، نگاره ها و تذهیب های فرهاد، نقاش سده نهم هجری، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ وارشاداسلامی.
شاهکارهای نگارگری، موزه هنرهای معاصرتهران، موسسه توسعه هنرهای تجسمی، چاپ اول، تهران،۱۳۸۴ .
گنج نامه، فرهنگ آثارمعماری اسلامی ایران، دفترهجدهم، حمام ها، انتشارات روزنه، تهران،۱۳۸۴ .
سیف، هادی، نقاشی پشت شیشه، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۱ .
سیف،هادی،نقاشی روی کاشی ،چاپ اول،انتشارات سروش،تهران۱۳۷۶
افتخاری، سیدمحمود، نگارگران ایران دوره معاصر(۱۳۵۰-۱۳۰۰ش)، چاپ اول، انتشارات سیمین و زرین، تهران، زمستان، ۱۳۸۱ .
نگاره، منتخبی از آثار دومین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایرانی اسلامی، چاپ اول، انجمن هنرهای تجسمی با همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، زمستان، ۱۳۷۵ .
عکاشه، ثروت، نگارگری اسلامی، ترجمه تهامی، غلامرضا، چاپ اول، حوزه هنری(انتشارات سوره مهر)تهران، ۱۳۸۰ .

Parker, ANN,Nea (Avun, HAJ) Painting, Smithsonian institution Press, 1995.

www.SID.ir

Archive of SID

Tauris I.B, Persian Painting from Thr Monqols to The Qajars.London,New Yourk,2000.
S.Blair Shieila and M.Bloom Jonatan.Thr Art and Architectur of Islam 1500-1800, Printing 1994.
Robinson .B.W,Persian Painting in The India officr Library A Descriptive Cataloge. Keep Emeritus.Victoria and Albert Museum,Printed in Great Brita 1976.
Sonian Smith,Sultan Ibrahim Mirza s Haft Awrang,Institution,Washingtin.D.C.Yale University Press,New Haven,s. London 1997.
Thames and Hudson.Royal Persian Manuscripts,Stuorrt Cary Weleh,London .Thrid ,Printing 1978.
http://www2.let.uu.n1
www.exoticindia.art.com
www.Thelongridesgu.com
www.amnesty.at.

www.SID.ir

Archive of SID

آوردن سر ایرج برای فریدون،
شاهنامه بزرگ مغولی (دموت)
۷۳۶هجری قمری، واشنگتن
دی سی امریکا، سالکر گالری

www.SID.ir